

فرایند هویت‌سازی از دیدگاه لاکان

تضاد هویت بانوسازی

چکیده | از آنجا که در حفاظت از شهرها و بناهای فرهنگی، تاریخی، پاسخ به نیازهای جدید شهروندان و حفظ هویت تاریخی شهرها هم زمان مدنظر است، پاسخ‌گویی به این دو رویکرد به ظاهر متضاد، که یکی معطوف به حال و آینده و دیگری وفادار به گذشته است، اهمیت دارد. هویت شهری دارای دو بعد اصلی است: بعد اول، حقیقتی است که دیده نمی‌شود و بعد دوم، منظر و کالبدی است که در برابر دیدگان قرار دارد. نوسازی بافت‌های تاریخی باید مبنای نظری و چارچوبی داشته باشد که در آن کالبد و ساختاری که دیده می‌شود همراه با جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، به صورت توأمان مورد توجه قرار گیرد، به طوری که این بافت‌ها هویت و اصالت خود را از دست ندهند. نویسندگان این مقاله بر این باورند که حل چالش بین هویت و نوسازی بافت‌های تاریخی، بدون در نظر گرفتن فرایند هویت‌سازی و لایه‌های معنایی آن امکان‌پذیر نیست. به منظور دستیابی به چارچوب هویت‌بخشی به محیط، از نظرات «ژاک لاکان» (۱۹۸۱-۱۹۰۱) روانکاو، نظریه پرداز، مدرس و یکی از تأثیرگذارترین روشنفکران فرانسوی قرن بیستم، استفاده شده که دیدگاه‌هایش، دریچه جدیدی در مطالعات اجتماعی گشوده است. این مقاله نشان می‌دهد چطور سطوح اولیه هویت مکان، "ادبیات طراحی و برنامه‌ریزی در سطح جهانی" را شکل می‌دهد و سپس در سطوح بالاتر با عمیق‌تر شدن هویت مکان، "زبان طراحی و برنامه‌ریزی محلی" شکل می‌گیرد. در نهایت به منظور انجام فرایند نوسازی در بافت‌های تاریخی، با توجه به ارزش هر اثر به لحاظ کالبدی، عملکردی و معنایی، باید تصمیم گرفت کدام یک از این سطوح، باید بدون تغییر بماند، کدام یک قابلیت تغییر دارد و این قابلیت به چه میزان است.

واژگان کلیدی | لاکان، هویت، نوسازی، استعاره.



محمود قلعه نویی
دکتری شهرسازی، استادیار
گروه طراحی شهری،
دانشگاه هنر اصفهان

m.ghalehnoee@yahoo.com



سپیده پیمانفر
پژوهشگر دکتری شهرسازی،
دانشگاه هنر اصفهان

s.paymanfar@yahoo.com



تصویر
Pic1

تصویر ۱: نوسازی میدان عتیق (امام علی) اصفهان. احداث زیرگذر به منظور برچیدن ترافیک سواره از بزرگ‌ترین میدان تاریخی با قدمت بیش از ۸۰۰ سال. مأخذ: www.axgig.com

Pic1: Renovation of Atigh (Imam-Ali) square in Isfahan. The construction of underpass to divert traffic congestion from the biggest historic square aging more than 800 years. Source: www.axgig.com



مفهوم نوسازی

یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین تعاریف اثبات‌گرایانه از نوسازی، تعریف کلاسیک «ویلبرت مور» است. از دیدگاه او، فرایند نوسازی عبارت است از «دگرگونی کامل یک جامعه سنتی یا ماقبل مدرن به جامعه‌ای مدرن، تکنولوژیک و دارای سازمان اجتماعی مرتبط که برخوردار از ثبات سیاسی و رفاه اقتصادی نظیر جوامع غربی است». اما در مقابل، رویکرد تفسیری، نوسازی را فرایندی تعریف می‌کند که طی آن انسان‌ها به صورت خلاق، بازاندیشانه و معنادار، زندگی اجتماعی خود را می‌سازند، تغییر می‌دهند و یا بازسازی می‌کنند. در این رویکرد، نوسازی نه صرفاً به عنوان پدیده‌ای خارجی، مسلط و جبری، بلکه به عنوان پدیده‌ای ساخته شده، قابل دست‌کاری و بازاندیشانه تعریف می‌شود. پدیده نوسازی ابعاد و جنبه‌های متفاوت و گسترده‌ای را در برمی‌گیرد، این ابعاد عبارتند از: ۱. نظام اقتصادی، ۲. ابزار و فنون و تکنولوژی، ۳. قشربندی اجتماعی، ۴. خویشاوندی و خانواده، ۵. بهداشت، ۶. حمل و نقل و ارتباطات، ۷. تعاملات اجتماعی، ۸. آموزش و سواد، ۹. ارزش‌ها و اعتقادات، ۱۰. زبان (محمدپور و رضایی، ۱۳۸۷). نوسازی از جمله مفاهیمی است که دارای تفاسیر گوناگون در ادبیات شهرسازی و مرمت شهری است. در بیشتر منابع معادل لاتین آن را «renovation» و در مقیاس شهری «urban renewal» بیان کرده‌اند. در رابطه با مقوله نوسازی در معماری و شهرسازی، متغیرهای اصلی را می‌توان به دو دسته «فضای کالبدی» و «فضای انسانی مربوط تقسیم کرد». هدف اصلی طرح‌ها در رابطه با این متغیرها تداوم وجودی فضای کالبدی، به معنای غالب یا دربرگیرنده، بیان‌گر و نمایش‌گر نمادها و مفاهیم فرهنگی ویژه‌ای است که علت اصلی توجه به شهر و تضمین حضور ساکنین بومی بافت‌های تاریخی در موضع خود آنان می‌شود (فلامکی، ۱۳۸۴: ۲۸). «نوسازی زمانی انجام می‌شود که فضای شهری، مجموعه و یا بنا از کارکردی مناسب برخوردار ولی فرسودگی نسبی کالبدی، فضایی سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده باشد» (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱). به این ترتیب در تعریف حاضر از آنجا

مقدمه | اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیده‌های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ معماری و شهرسازی، حفظ هویت و اصالت شهر و تبیین حیات شهری، همواره مورد توجه بوده است. مروری بر نگرش معماران و شهرسازان مدرن و اصل انقطاع از گذشته و نتایج آن درکی روشن از این نگرش افراطی به دست می‌دهد. از سوی دیگر تصلب، انعطاف‌ناپذیری، عدم نوآوری و آفرینش و حفظ نعل به نعل «گذشته» نتیجه چندان متفاوتی نخواهد داشت. هویت شهری وجه تمایز یک شهر از شهر دیگر و موجب حس تعلق مکانی شهروندان و مشارکت آنها در توسعه شهر است. همانطور که شهر رم بدون دوره امپراتوری و نیویورک بدون آسمان‌خراش‌هایش قابل تصور نیست، در نظرگرفتن یک شهر بدون هویت متعلق به خودش امکان‌پذیر نیست. با محافظت از تاریخ، یک شهر تنها به گذشته تکیه نمی‌کند، بلکه پیوندی بین زمان حال و آینده‌اش ایجاد می‌شود (Cohen, 2005). پژوهش حاضر به این مسئله می‌پردازد که چگونه نوسازی بافت‌های تاریخی (که نه تنها با هدف حفاظت از شهرها و بناهای فرهنگی صورت می‌پذیرد، بلکه پاسخی به نیازهای جدید شهری و شهروندان است) و حفظ هویت تاریخی شهرها، می‌تواند در کنار یکدیگر قرار گیرند؟ هویت هر شهر به واسطه فرهنگ شهری و در بستر تاریخ، ساختار اجتماعی، و با توجه به تحولات سیاسی و اقتصادی آن شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. به همین دلیل، نگاه ایستا به مقوله هویت و هویت شهری، راه به جایی نخواهد برد. از آنجا که هویت، مفهومی بین‌رشته‌ای است، صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف به آن پرداخته‌اند. یکی از این نظریه پردازان، ژاک لاکان، نظریه پرداز بزرگ فرانسوی است. دیدگاه‌های لاکان درباره تمایل انسان، هویت و اعتقاد، دریچه جدیدی در مطالعات اجتماعی گشوده است (Gurewich, 1996: 154). نوشتار حاضر، به منظور حل چالش بین هویت و نوسازی بافت‌های تاریخی، به فرایند هویت‌سازی براساس مفاهیم روانکاوی لاکان، می‌پردازد.

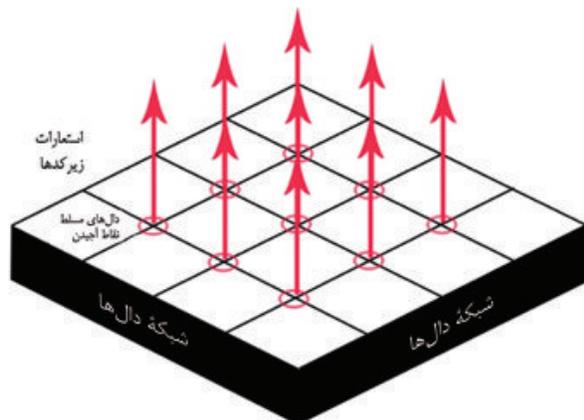
داشته باشد، اما همواره چیزی فراتر از این محاسبات وجود دارد. گویی در این بین همواره چیزی تعریف نشده و گم شده و این همان چیزی است که لاکان از آن با عنوان "حقیقت" یاد می‌کند (Hillier, 2002: 264 & 267). از طرف دیگر، اشخاص، قدرت تصمیم کمی دارند و همواره نیرویی قدرتش را بر آنها تحمیل می‌کند که لاکان از آن با عنوان "دیگری بزرگ" نام برده است و برای یک برنامه ریز شامل اجبارهایی همچون سرمایه‌داری جهانی است (Sharpe, 2001). به همین دلیل، هویت ثابت نیست، زیرا همیشه و مخصوصاً در دوره معاصر، قطعه قطعه و حاصل همین "حقیقت" است.

هویت و نوسازی بافت های شهری

در بررسی هراتر معماری دو بعد دخالت دارد: (۱) ظاهری^۶: نشانه، گویای مشخصات ظاهری آن است، مثل فرم، اندازه رنگ علامت. (۲) معنایی^۷: محتوایی: مبثی است که از روابط بین یک علامت و محتوای آن گفتگو می‌کند (گروتز، ۱۳۸۳: ۵۰۲ و ۵۰۱). این معنا می‌تواند صریح (تحت اللفظی) یا ضمنی (غیر تحت اللفظی) باشد. شرط اولیه در معنای صریح آن است که معنایی که گیرنده دریافت می‌کند، با معنایی که فرستنده مد نظر داشته یکی باشد. در معنای تحت اللفظی، ارجاع در ارتباط یک به یک است و بعد معنایی و ظاهری هر دو از طرف جامعه پذیرفته شده‌اند. به عنوان مثال وقتی کسی می‌گوید "دستم می‌خارد"، منظور او را دریافت می‌کنند چون ارجاع دست و خارش در جامعه پذیرفته شده‌است. در معنای ضمنی، علاوه بر ارتباط بین یک فرم ظاهری و محتوای باطنی، با یک برگردان^۸، هم روبه‌رو هستیم و این یعنی معنای ضمنی شامل معنای صریح نیز می‌شود. برخلاف معنای صریح که ارجاع یک به یک بود، ارجاع در معنای ضمنی یک به چند است.

نمودار ۱: فرایند هویت‌سازی در طراحی و برنامه‌ریزی براساس مفاهیم روانکاوی لاکان، مأخذ: نگارنده.

Diagram 1: The identification process in design and Planning based on Lacan's Psychoanalysis concepts. Source: Author.



که کارکرد مناسب وجود دارد، فرسودگی بیشتر متوجه کالبد بوده و به تعبیری در فرایند تغییر و به روز شدن، "کارکرد" به دلیل ماهیت پویاتر و انعطاف پذیرتر خود به روز شده اما "کالبد" به علت مقاومت بیشتر در برابر تغییرات به روز نشده و نیازمند معاصر سازی است.

فرایند هویت‌سازی از منظر لاکان

ژاک لاکان، فیلسوف و روان‌کاو ساخت‌گرای فرانسوی با بازخوانی یافته‌های زیگموند فروید، در مناسبت با شکل‌گیری ذهنیت و هویت انسان از دوران کودکی به عرصه اندیشه غرب درآمد. از دید او، ناخودآگاه بر تمامی قلمرو هستی انسان چیره است و "ضمیر ناخودآگاه ساختاری زبان مانند دارد". به استدلال لاکان ورود به "ساحت نمادین"^۹ به معنای ورود به قلمرو زبان و بازنمایی است (پاینده، ۱۳۸۸). از نظر او دال‌ها^{۱۰} (واژگان و تعبیرات لفظی) معانی ثابتی ندارند و "مدلول‌ها"^{۱۱} (شیء و پدیده‌ای که واژه بر آن دلالت می‌کند) لغزنده، شناور، غیرقابل سکون و ثبوت‌اند. بر این اساس هر متن ادبی خودآگاه و ناخودآگاهی دارد. خودآگاه متن، همان دال‌ها، واژگان و عباراتی است که در متن کنار هم می‌آیند و به ظاهر بر مدلول‌هایی معین دلالت دارند. اما چه بسا میان آنچه متن به ما می‌گوید و آنچه در پشت واژگان پنهان شده، فاصله‌ای باشد که حتی به ذهن نویسنده نیز خطور نکرده است (اسحاقیان، ۱۳۸۱). در ساحت نمادین، لاکان اصطلاح "point de capiton"^{۱۲} یا "نقطه آجیدن"، را به کار می‌برد؛ نقطه‌ای که در آن می‌توان مطمئن شد، تصویری گذرا از معنا در زبان قابل خلق است. نقطه آجیدن، مکانی است که در آن دال و مدلول به معنای دقیق کلمه به هم دوخته می‌شوند (هرزگنرات، ۱۳۸۴).

در نمودار، فرایند هویت‌سازی در طراحی و برنامه‌ریزی براساس مفاهیم کلیدی فلسفه لاکان، به صورت خلاصه نمایش داده شده‌است. در سطوح اولیه این مدل، طراح و برنامه‌ریز با "دال‌های مسلط"^{۱۳} لاکانی روبه‌روست. دال‌های مسلط، نقطه، کلمه، واژه یا عبارتی تمام‌کننده است که به همه مناقشات و بحث‌ها پایان می‌دهد؛ همان چیزی که لاکان به آن، نقطه آجیدن می‌گوید و جایی که شبکه‌ای از دال‌ها را به مفاهیم و اجتماع می‌دوزد. آنها نقاط تکیه‌گاهی^{۱۴} ایجاد می‌کنند و به خودی خود خالی از معنی هستند تا بتوانند کلیات را بازنمایی کنند و گستره وسیعی از دلالت‌ها را شامل شوند (Stavarakakis, 1999: 80). آنها یک "زبان مشترک جهانی" ایجاد می‌کنند و چیزی بیش از رعایت یک سری اصول و هنجارهای اولیه نیستند. از جمله این اصول می‌توان به پایداری، عدالت اجتماعی، آزادی و دموکراسی اشاره کرد، بدون توجه به اینکه بستر طراحی کجاست. در سطوح بعدی این مدل، زیرکدهایی^{۱۵} وجود دارد که معانی چندگانه‌ای را به این نظام می‌افزاید، ایجاد هویت می‌کنند، جوامع مختلف را از هم متمایز می‌کنند، به اقدامات جهت می‌دهند و آن را برای استفاده در آموزش، کار حرفه‌ای و برنامه‌ریزی مهیا می‌کند. از جمله این زیرکدها کدهای اجتماعی^{۱۶}، کدهای جنسیتی^{۱۷}، کدهای اخلاقی^{۱۸}، کدهای معرفت‌شناختی^{۱۹} و کدهای هستی‌شناختی^{۲۰} است (Gunder 2003).

در انتهای مدل ترسیم شده، "استعارات" قرار دارند، که بیش از هر چیز نشان دهنده شیوه بیان هستند. شیوه بیان دال‌های مسلط و زیرکدها، می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشد. بیان غیر مستقیم، "استعاره"^{۲۱} نام دارد که لایه‌های جدیدی از "معنا"^{۲۲} را ایجاد می‌کند (Boothby, 2001: 127). هر قدر در بیان مفاهیم ذکر شده بلاغت بیشتری به کار رود، به ژرفای معنایی اثر، ارزش و هویت آن افزوده خواهد شد، در این حالت، محصول نهایی، حاوی نشانه‌ها و نمادهایی است که می‌تواند قرائت‌های مختلف را به دنبال

تصویر ۲: نمایی از سایت ویران شده نواب، سال ۱۳۷۳.
Bahrainy & Aminzadeh, 2007. مأخذ

Pic2: A view of the demolished site in the Navab project in 1994. Source: Bahrainy & Aminzadeh, 2007.



تصویر ۲
Pic2

این ارجاع ممکن است از طرف جامعه پذیرفته شده نباشد (Feinstein, 1982). بسته به میزان مقبولیت این ارجاع از طرف جامعه از استعاره به نماد و نشانه حرکت می‌کنیم. در نوسازی بافت‌های تاریخی، معماران و شهرسازان با یک محصول تمام شده که حاوی نشانه‌ها، نمادها، معانی و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در لایه‌های زیرین اثر است، روبه‌رو هستند و همواره این سؤال که تا چه حد امکان دخل و تصرف وجود دارد، مطرح است. به عنوان نمونه در پژوهش انجام شده جهت دست‌یابی به ترجیحات ساکنین منطقه نواب (شامل طرح بازسازی و منطقه قدیم اطراف آن) از هویت مکان که در ۱۳۸۹ توسط «بهناز امین‌زاده» انجام شد، در نازل‌ترین سطح که شامل ابعاد بصری است، مؤلفه‌هایی چون مهندسی‌ساز بودن، نمای ساختمان‌ها، تنوع رنگ، کف‌سازی مناسب سازی شد. در سطح بالاتر، مؤلفه‌های شناختی-اجتماعی مکان مؤثرند. این بعد «آشنایی با مکان» در پژوهش حاضر با افزودن «زیرکده‌ها»، حاصل می‌شد. در نهایت مؤلفه‌هایی همچون «اصالت» یعنی متمایز بودن مکان زندگی با زمینه (که با احساس غرور و شخصیت همراه است)، «معنویت»، ارزش‌گذاری مبتنی بر ایده‌ها و احساسات خویش (انعکاسی از شخصیت خویش) در ادراک هویت مکان نواب نقش داشته است، که در این نوشتار با عنوان «استعاره» از آن یاد شد. در اینجا با توجه به ارزش هر اثر به لحاظ کالبدی، عملکردی و معنایی، باید تصمیم گرفت کدام یک از لایه‌های ذکر شده دقیقاً حفظ شود و در کدامیک امکان دخل و تصرف وجود دارد. البته، از آنجا که قرائت‌های معنایی گوناگون و «حقیقت»، غیر قابل دسترس است، چالش بین هویت و نوسازی هیچ‌گاه تمام نخواهد شد. هرچند وظیفه معماران و شهرسازان در جهت رفع این ابهام هم‌چنان پابرجاست (تصویر ۳).

مکان در سه سطح متمایز قابل تشخیص است: سطح اول که نازل‌ترین سطح را شامل می‌شود، با افزودن «نقاط تکیه‌گاهی» که خالی از معنی و «جهان شمولند»، به دست می‌آید. در مثال پروژه نواب، مؤلفه‌هایی چون مهندسی‌ساز بودن، نمای ساختمان‌ها، تنوع رنگ و کف‌سازی مناسب از این دست بود. اما آنچه که هویت را قوام می‌بخشد و لایه‌های معنایی ایجاد می‌کند، «زیرکده‌هایی» است که با اتصال به نقاط تکیه‌گاهی، برنامه‌ریزی را به سمت «زمینه‌گرایی» محلی شدن» پیش می‌برد. بیان نمادین این لایه‌های معنایی در سطح سوم، موجب تولید «استعاره» شده و بر ارزش و هویت اثر می‌افزاید. این سطح که در مؤلفه‌های شناختی-اجتماعی مکان بروز پیدا می‌کند، شامل «آشنایی با مکان»، «اصالت»، «معنویت» و غیره است.

تصمیمی که باید گرفته شود این است که کدام لایه معنایی باید بدون تغییر بماند، کدام یک قابلیت تغییر دارد و این تغییر به چه میزان باید صورت گیرد؟ هر چند به واسطه برداشت‌های معنایی متفاوت نیروهای خارجی مؤثر بر فرایند برنامه‌ریزی، همواره چیزی خارج از کنترل طراح و برنامه‌ریز وجود دارد و تعارض بین هویت و نوسازی بافت‌های تاریخی هیچ‌گاه تمام نخواهد شد، اما وظیفه جامعه متخصص کاهش هرچه بیشتر ابهامات بوده و این مقاله سرآغاز این راه است.

جمع‌بندی | این پژوهش، با استفاده از مفاهیم روانکاوی لاکان، با رجوع به بحث مراحل بالندگی و رشد شخصیت روانی و اندیشه کودک، به تبیین فرایند هویت‌سازی در طراحی و برنامه‌ریزی پرداخت. از آنجا که در نوسازی بافت‌های تاریخی، معمار و شهرساز با یک محصول تمام‌شده روبه‌رو است، حل چالش بین هویت و نوسازی بافت‌های تاریخی، بدون در نظر گرفتن فرایند هویت‌سازی و لایه‌های معنایی آن امکان‌پذیر نیست. هویت

پی‌نوشت

۱۶. syntactic	۱۱. moral codes	۶. master signifier	۱. Jacques Lacan
۱۷. semantic	۱۲. epistemological codes	۷. nodal points	۲. Wilbert Moore
۱۸. evoke	۱۳. ontological codes	۸. sub-codes	۳. Symbolic stage
	۱۴. metaphor	۹. social codes	۴. signifier
	۱۵. new strata of meanings	۱۰. gender codes	۵. signified

فهرست منابع

- اسحاقیان، جواد. (۱۳۸۱). مکتب لاکان و روانشناسی ساختارگرا در نقد ادبی. کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، (۲) ۶: ۳۵-۳۰.
- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۸۹). ارزیابی زیبایی و هویت مکان. مجله هویت شهر، (۷) ۶: ۱۴-۳.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۸). نقد شعر «زمستان» از منظر نظریه روانکاوی لاکان. فصلنامه زبان و ادب پارسی، ۲۷-۴۶: ۴۲.
- حبیبی، سید محسن و مقصدی، ملیحه. (۱۳۸۱). مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلاسکی، محمد منصور. (۱۳۸۴). سیری در تجارب مرمت شهری از ونیز تا شیراز. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی.
- گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدپور، احمد و رضایی، مهدی. (۱۳۸۷). درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۹ (۲ و ۱): ۳-۳۳.
- هرزگنرات، برنرد. (۱۳۸۴). درباره بزرگ‌راه گم شده: لینچ و لاکان، سینما و آسیب‌شناسی فرهنگی، فارابی، ۵۷: ۱۳۵-۱۱۹.

flexibility and evolving nature of “functional aspect” it has been subject of transformation more than physical aspect and especially meaning one. The theory of Lacan bridges between language, meaning and identity. He sees language as the system of difference which articulates identities. In a proposed model in two levels, the position of “signifiers” and “signified” is demonstrated. It has been tried to identify what is the place of “identity” in this regard and related to the task of urban planning and design. The sub-codes which give multiple meanings to this system could be taken in consideration in order to preserve different aspects of identity in urban renewal.

This theory emphasizes on evaluative and changing nature of identity. In studying architecture and urban design two kinds of meaning could be identified: explicit and implicit. The explicit one is perceived by recipient more simply and easy because of the “one by one” relation between signified and signifier; but in implicit meaning the relation is not the same. In implicit one, receiving different meaning becomes possible and through this complicated relation “metaphor”, “symbol” and “sign” are arose.

Keywords | Lacan, Identity, Renovation, Metaphor.

Reference list

- Aminzadeh, B. (2010). Arzyabi-ye Zibayi va Hoviat-e Makan [The Evaluation of Aesthetic and Identity of Place]. *Journal of Hoviatshahr*. 6(7): 3-14.
- Bahrainy, H. and Aminzadeh, B. (2007) Evaluation of Navab Regeneration Project in Central Tehran, Iran. *International Journal of Environmental Research* 1(2):. 114-127.
- Boothby, R. (2001). Freud as philosopher: met psychology after Lacan. London: Routledge.
- Cohen, I. (2005). Synergy between urban planning, conservation of the cultural built heritage and functional changes in the old urban center- the case of Tel Aviv. *Journal of land use policy*, 22: 291-300.
- Eshaghian, J. (2002). Maktab-e Lacan va Ravanshenakhti-ye Sakhtargara dar Naghd-e Adabi.[The School of Lacan and Psychological structuralism in Literary Criticism]. *Journal of Ketab-e Mah*, 6(2):30-35.
- Falamaki, M.M. (2005). *An essay on urban conservation “from Venice to Shiraz”*. Tehran: FAZA Scientific and Cultural Institute.
- Feinstein, H. (1982). Meaning and Visual Metaphor. *Studies in Art Education*, 23: 45-55.
- Grutter, J.K. (2004). *Aesthetic in Architecture*. Translated from German by Pakzad, J & Homayun, A. Tehran: Shahid Beheshti University Publications.
- Gunder, M. (2003). Planning policy formulation from a Lacanian perspective. *International Planning Studies*, 8(4): 279- 294.
- Gurewich, J. (1996). *Towards a new alliance between psychoanalysis and social theory*. In: D. Pettigrew & F. Raffoul (Eds) *Disseminating Lacan*. 151-168 (Albany: State University of New York Press).
- Habibi, S.M. & Maghsudi, M. (2002). *Urban renovation*. Tehran: university of Tehran publications.
- Herzogenrath, B. (2009). On the Lost Highway: Lynch and Lacan, Cinema and Cultural Pathology. *Farabi*, 57: 119-136.
- Hillier, J. (2002). *Shadows of power*. London: Routledge.
- Mohammadpour, A. & Rezaie, M. (2008). Dark-e Ma'nayi-ye Payamad-ha-ye Vorood-e Nosazi be Iran be Shive-ye Pajuhesh-e Zamineh-ee [The Semantic Perception of Consequences of Renovation Arrival to Iran by contextual research]. *Iranian Journal of Sociology*, 9(1,2): 3-33.
- Payandeh, H. (2009). Naghd-e sher-e “Zemestan” az Manzar-e Ravankavi-ye Lacan [The critique of the poem “zemestan” from the perspective of lacanian psychoanalysis]. *Journal of ZabanvaadabeFarsi*, 42:27-46.
- Sharpe, M. (2001). ‘chevoui?’ ‘what do you want?’. *Arena Journal*, 16: 101-120.
- Stavrakakis, Y. (1999). *Lacan and the political*. London: Routledge.

Identity and Renovation Conflict

Lacan's View on the Process of Giving Identity

Mahmoud Ghaleh noee, Ph.D in Urbanism,
Assistant Professor, Art University of Isfahan, Iran.
m.ghalehnoee@yahoo.com

Sepide Peymanfar Ph.D Candidate in Urbanism, Art
University of Isfahan, Iran
s.paymanfar@yahoo.com

Abstract | In protection of cities and their cultural monuments, considering new requirements of citizens and preservation of their historical identity at the same time are desired and often seems contradictory. Responding to these seemingly contrasting approaches, which one regards to the present and future, and the other to the past, is very important. In this regard urban identity has at least two dimensions: the first one is the reality which is not seen, and the second one is the physical aspect of it. The renovation of the old fabrics should have a theoretical basis and framework, according to which, the physical aspects of identity along with the socio-cultural and hidden ones, should be taken in consideration at the same time, in order to preserve their identity. The authors believe that the solving the challenge between preservation of identity and urban renewal of old fabrics without consideration of process of giving identity and its layers of meaning is not possible. To achieve this framework, the theories of Jacques Lacan (1901-1981), French intellectual of the 20th century as psychoanalysis, theoretician, lecturer and one of the most influential have been considered. Lacan's insight into human desire, identity and belief sheds a new light on social studies. This paper has tried to demonstrate how low levels of place identity make the "literature of planning and design in global scale" and then in higher levels with richness of place identity the "language of planning and design" is formed. Finally in order to complete the process of urban renewal in historical fabrics considering the value of each product from physical, functional and meaning point of view, what aspect needs to change or has the potential and in what extend. To do so, the concept of renovation has been highlighted and its different aspects and dimensions have been explained. The fact that the "physical" and "functional" aspects were focused more than "meaning" was obvious in this part. Concerning the process of change through the time, due to the